

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفنن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# روزنامه شتر

چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۵ • ۱۶ محرم ۱۴۴۸ • ۱ جولای ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۴۲۱ • صفحه ۴۰۵
اذان ظهرتهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۲۰:۰۷ • طلوع آفتاب ۴:۵۲

#### یاد

### فرزاد جمشیدی

### مجری تلویزیون درگذشت

فرزاد جمشیدی، مجری برنامه‌های معارفی تلویزیون، به‌طور ناگهانی درگذشت. او صبح روز سه‌شنبه نهم تیرماه بر اثر سکته در ۵۶سالگی درگذشت. جمشیدی خردادماه ۱۳۴۹ به دنیا آمد و دکترای علوم قرآنی داشت. این مجری تلویزیون، اجرای برنامه‌های معارفی «یاد خدا» و «ماه خدا» را در شبکه یک سیما عهده‌دار بود و در مقطعی از اجرای برنامه‌ها فاصله گرفت که در ادامه به صداوسیما بازگشت. ریاست دفتر هماهنگی و سازماندهی مجریان صداوسیما در کارنامه کاری جمشیدی دیده می‌شود. احمدحسین خرمشاهی از تهیه‌کنندگان برنامه‌های تلویزیونی و از نزدیکان فرزاد جمشیدی در گفت‌وگویی با ایسنا درباره درگذشت این مجری توضیح داد: فرزاد جمشیدی سابقه بیماری نداشت‌ه و بامداد روز سه‌شنبه به هنگام نماز صبح دچار حمله قلبی شد و به رحمت خدا رفت. به گفته خرمشاهی، پیکر این مجری باسابقه، امروز چهارشنبه ۱۰ تیرماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) به خاک سپرده می‌شود.

### روان‌خوانی

### سوک با افسردگی؟

برخی از ما این باور را داریم که فقط وقتی عزیزری را از دست می‌دهیم سوگوار می‌شویم، اما طبق علم روان‌شناسی، سوگ فقط به از دست دادن عزیزان محدود نمی‌شود، بلکه هر نوع فقدان مهم در زندگی -از شغل و سلامتی تا دوستان، جایگاه اجتماعی و محل زندگی- می‌تواند فرد را وارد فرآیند سوگواری کند. سوگ به‌عنوان واکنشی طبیعی به انواع فقدان‌های مهم زندگی شناخته می‌شود و نه صرفا مرگ یک فرد. در واقع در نگاه علمی، این مفهوم بسیار گسترده‌تر است و هرگونه از دست دادن چیزی یا کسی که برای فرد ارزشمند بوده، می‌تواند واکنش سوگ را به همراه داشته باشد. پس باید باور کنیم از دست دادن شغل (اتفاقی که برای بیش از دو تا سه میلیون نفر بعد از جنگ رخ داده است)، ورشکستگی مالی، مهاجرت اجباری، ترک محل زندگی (بیش از هزار و ۸۰۰ خان‌ه فقط در تهران به خاطر بیاران و حمله نابود شده‌اند)، از دست دادن دوستان ( بیش از سه هزار نفر در جنگ و طبق آمار رسمی نزدیک چهار هزار نفر در حوادث دیدگاه‌کنشه شده‌اند و این افراد قطعاً دوستان و آشنان متعددی داشته‌اند)، از بین رفتن موقعیت اجتماعی، از دست دادن امید نسبت به آینده (شرایطی که اکنون بسیاری از افراد در این حالت نه‌ جنگ نه صلح تجربه می‌کنند) و حتی ابتلا به بیماری‌های خطرناک یا لاعلاج نیز می‌توانند برای افراد همان فرآیند روانی «سوک» را فعال کنند. خیرگزارای فارس گفت‌وگویی با «احمد احمدی‌پور»، مشاور، داشته است که او تأکید می‌کند: «سوک فقط یک واکنش عاطفی ساده نیست، بلکه فرآیندی روانی است که می‌تواند با احساس غم، انکار، خشم و در نهایت پذیرش همراه باشد». سال‌ها پیش الیزابت کوبلر، روان‌پزشک سوئیس-آمریکایی نیز این عقیده را مطرح کرده بود. اما اکنون برخی از روان‌پزشکان معتقدند همه این فرآیند را خطی یا به صورت یکسان طی نمی‌کنند. به گفته احمدی‌پور، بسیاری از افراد در آغاز یک فقدان، وقوع آن را انکار می‌کنند. این واکنش در کوتاه‌مدت طبیعی است، اما «ماندن در مرحله انکار می‌تواند وضعیت روانی فرد را دشوارتر کند. هرچه فرد زودتر بتواند واقعیت فقدان را بپذیرد، سازگاری با شرایط جدید آسان‌تر خواهد بود و احتمال تبدیل‌شدن سوگ به یک اختلال افسردگی نیز کاهش می‌یابد». احمدی‌پور می‌گوید: «تجربه غم و اندوه پس از فقدان، به خودی خود نشانه بیماری نیست و بسیاری از افراد با گذر زمان و حمایت‌های عاطفی می‌توانند به تعادل روانی بازگردند». احساس غم، گریه، دل‌تنگی و کاهش موقت انگیزه پس از یک فقدان، واکنش‌هایی طبیعی هستند و نباید به‌سرعت آنها را افسردگی تلقی کرد. اما اگر این شرایط بیش از شش ماه طول بکشد، باید نسبت به درگیرشدن با اختلال افسردگی هشیار بود. در نهایت این نکته قابل توجه است که مرز میان سوگ و افسردگی همیشه روشن نیست، اما یک تفاوت اساسی وجود دارد: سوگ معمولاً پاسخی طبیعی به یک فقدان مشخص است و با گذر زمان، پذیرش و حمایت اطرافیان به‌تدریج کاهش می‌یابد. افسردگی اما می‌تواند فراتر از یک فقدان عمل کند و تمام ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار دهد و ادامه پیدا کند.

یکی از موضوعات قابل بررسی در حقوق ورزشی، تمایز میان مدیریت نتیجه مسابقه و تبانی است. در برخی مسابقات، وضعیت جدول به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که نتیجه مساوی، صعود هر دو تیم را تضمین می‌کند. در چنین وضعیتی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سهم‌بخت‌بودن منافع دو تیم برای تحقق تبانی کافی است یا آنکه تحقق این عنوان مستلزم اثبات وحدت قصد و وجود توافق قبلی یا آتی میان دو تیم است. فرض این یادداشت آن است که تیم الجزایر پس از به ثمر رساندن گل در دقیقه ۹۳، به این نتیجه رسیده باشد که پیروزی، رویارویی با اسپانیا در مرحله حذفی را در پی خواهد داشت. بر این اساس، این تیم نتیجه مساوی را برای تعیین جایگاه خود در جدول پذیرفته باشد. همچنین فرض می‌شود که نتیجه مساوی، صعود تیم اتریش را نیز تضمین می‌کرد، با پذیرش این فرض، این پرسش مطرح می‌شود که آیا رفتار دو تیم از منظر مقررات فیفا، مصداق تبانی محسوب می‌شود یا خیر؟

#### بررسی موضوع از منظر مقررات فیفا

در مقررات فیفا، دستکاری مسابقه یا تبانی عمدتاً تحت ماده ۲۰ کد انضباطی فیفا (نسخه سپتامبر ۲۰۲۵) تنظیم شده است. متن ماده به این شرح است: «هر کسی که مستقیم یا غیرمستقیم، با عمل یا ترک عمل، به‌طور غیرقانونی بر جریان، نتیجه یا هر جنبه دیگری از یک مسابقه و/یا رقابت تأثیر بگذارد یا آن را دستکاری کند، یا برای انجام این کار تبانی کند یا تلاش کند، با حداقل پنج سال محرومیت از هرگونه فعالیت مرتبط با فوتبال و جریمه حداقل صد هزار فرانک سوئیس مجازات می‌شود. در موارد جدی، محرومیت طولانی‌تر، از جمله محرومیت مادام‌العمر، اعمال خواهد شد.»

بند دوم ماده نیز پیش‌بینی کرده که اگر بازیکن یا مقام رسمی چنین رفتاری داشته باشد، باشگاه یا انجمن مربوطه ممکن است با



همزمان با آغاز رقابت‌های جام‌جهانی، زمین‌های فوتبال در نقاط مختلف ایران نیز رنگ‌بویی متفاوت به خود گرفته‌اند.تب‌تب جام جهانی، بیش از سوت هر مسابقه در زمین‌های فوتبال و میان علاقه‌مندان این ورزش جریان یافته است. عکس: مصلح بیرخضرائیان، ایرنا

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

# امکان سنجی اثبات وحدت قصد در جرم تبانی بین دو تیم فوتبال در نظم حقوقی فیفا

#### بهورز جوانمرد

#### استادانگشا

ازدست‌دادن مسابقه یا محرومیت از رقابت دیگر مواجه شود. بند سوم هم بر وظیفه گزارش هرگونه رویکرد مرتبط با دستکاری تأکید دارد. این ماده، دستکاری را شامل عمل یا ترک عمل می‌داند و به‌صراحت «تبانی» یا تلاش برای آن را پوشش می‌دهد. همچنین در روبه فیفا، دستکاری برای «مزیت ورزشی» (مانند صعود یا اجتناب از حریف خاص) نیز مشمول این مقررات می‌شود، نه‌فقط موارد مرتبط با شرط‌بندی.

برای تحقق تبانی براساس این ماده، وجود توافق یا هماهنگی میان طرفین ضروری است. صرف هم‌جهت‌بودن منافع یا اتخاذ تصمیم مشابه توسط دو تیم، بدون دلیل بر وجود ارتباط یا قصد مشترک، تبانی را اثبات نمی‌کند. قرآن روی زمین مانند کاهش شدت حملات، اشتباهات دفاعی غیرمعمول یا تغییر ناگهانی سبک بازی می‌تواند در ارزیابی مفید باشند، اما به‌تنهایی کافی نیستند. این قرآن وقتی ارزش پیدا می‌کند که با شواهدی مانند مکاتبات، پیام‌ها، اظهارات مرتبط یا الگوهای شرط‌بندی غیرعادی همراه شوند. در فقدان چنین ادله‌ای، رفتار دو تیم می‌تواند ناشی از محاسبه مستقل هر تیم براساس موقعیت جدول باشد. در این حالت، وحدت قصد به معنای توافق یا هماهنگی غیرقانونی محقق نمی‌شود.

نمونه‌ای نزدیک به این فرضیه در جام جهانی ۱۹۸۲ رخ داد. در بازی آلمان غربی و اتریش در مرحله گروهی (معروف به رسوایی خیخون)، نتیجه یک بر صفر به نفع آلمان غربی باعث شد هر دو تیم صعود کنند و الجزایر حذف شود. پس از گل زودهنگام، بازی با شدت بسیار پایین ادامه یافت. الجزایر اعتراض کرد و خواستار اقدام فیفا شد، اما

#### شبکه‌خوانی

## مسئولان کمی هم به نظرات کارشناسان بی طرف رجوع کنند

#### حسین‌رمضان‌زاده

#### عضوهیت‌مدیره‌کارزار

عرصه عمومی عرضه می‌کند، جای امیدواری دارد. آن هم مسئولی در مرکز ملی فضای مجازی! این یادداشت البته درباره سوابق و شخص شما نیست، بیشتر درباره محتوای توییت اخیرتان است که مسائلی را به «کارشناسان» نسبت داده‌اید. احتمالاً اختلاف همین‌جاست که چه کسی را کارشناس می‌دانید و چه کسی را نمی‌دانید. اما از این هم که بگذریم، می‌خواهم بدانم آیا واقعاً شما کارشناسانی را می‌شناسید که چنین عقیده‌ای داشته باشند و از نظرات خودشان دفاع کنند؟ این سؤال را از این جهت می‌پرسم که من و همکارانم در پلتفرم کارزار بارها و بارها از طرق مختلف از افرادی در مرکز ملی فضای مجازی دعوت کردیم که در یکی از نشست‌های حول محور اینترنت در کافه‌کارزار در فضایی آرام و تخصصی حاضر شوند و در این مورد با مردم و سایر کارشناسان به گفت‌وگو بپردازند اما در اغلب موارد کسی را نیافتیم که بیاید و شفاف از سیاست قطع اینترنت دفاع کند. کاش شما بگویید کدام قطع اینترنت به نفعشان است؟ راستش را بخواهید به نظر می‌آید موضوع شما در توییت اخیر چندان ربطی به کارشناسان و شبکه بانکی و نگرانی از گرفتاری مردم ندارد و بیشتر سعی کرده‌اید حالا که اتفاقی رخ داده، آن را به اتصال اینترنت ربط دهید. وگرنه که قاعدتاً معاون مرکز ملی فضای مجازی می‌داند که اگر بحث امنیت باشد، در اوج قطعی اینترنت نیز حملات وسیعی به زیرساخت‌های کشور شد. اگر هم نمی‌داند پیشنهادهای کمک‌کمی به نظرات کارشناسان بی‌طرف رجوع کند، مردم نظر منطقی را می‌پذیرند. اگر فکر می‌کنید فضایی وجود ندارد

فیفا اعلام کرد هیچ قاعده‌ای نقض نشده و هیچ محرومیتی برای تیم‌ها اعمال نکرد. این اتفاق باعث شد فیفا از دوره بعد، آخرین بازی‌های گروهی را به صورت هم‌زمان برگزار کند تا از تکرار چنین موقعیت‌هایی جلوگیری شود. این نمونه نشان می‌دهد که حتی وقتی رفتار روی زمین مشکوک به نظر می‌رسد و منافع دو تیم همسو است، بدون اثبات توافق یا هماهنگی قبلی، فیفا اقدام انضباطی علیه تیم‌ها اعمال نکرده است.

#### بررسی موضوع تبانی از منظر قواعد اخلاقی و طراحی مسابقات

هرچند چنین رفتاری ممکن است از نظر حقوقی تبانی محسوب نشود، اما از منظر اخلاق ورزشی و اصل بازی جوانمردانه قابل بحث است. اگر تیمی با هدف تعیین حریف مرحله بعد، از تلاش کامل صرف‌نظر کند، این رفتار می‌تواند با روح رقابت ناسازگار تلقی شود. علاوه بر این، ساختار برگزاری مسابقات هم نقش دارد. وقتی قالب گروهی به‌گونه‌ای باشد که نتیجه خاصی (مانند تساوی) منافع هر دو تیم را تأمین کند، زمینه رفتارهای غیرقانونی فراهم می‌شود. این موضوع می‌تواند مبنایی برای بازنگری در قواعد برگزاری باشد تا چنین موقعیت‌هایی کمتر ایجاد شود.

با توجه به مقررات فیفا به‌ویژه ماده ۲۰ کد انضباطی، حتی اگر تیم الجزایر با هدف برهیز از رویارویی با اسپانیا نتیجه مساوی را بپذیرفته باشد و تیم اتریش نیز از همان نتیجه منتفع شده باشد، این وضعیت به تنهایی برای اثبات تبانی کافی نیست. تحقق تبانی مستلزم اثبات وحدت قصد از طریق توافق یا هماهنگی است. هم‌جهت‌بودن منافع یا رفتار مشابه بدون دلیل بر وجود چنین توافقی، تبانی را محقق نمی‌کند. نمونه تاریخی سال ۱۹۸۲ نیز تأیید می‌کند که فیفا در موارد مشابه بدون ادله محکم، تیم‌ها را محروم نکرده است. با این حال، این نوع موقعیت‌ها از نظر اخلاق ورزشی و کیفیت رقابت قابل تأمل هستند و می‌توانند در طراحی آینده مسابقات مدنظر قرار گیرند.

#### یادداشت

### عدالت فرهنگی در اوقات فراغت دانش آموزان

**فردین کمانگر، روزنامه‌نگار:** اوقات فراغت دانش‌آموزان همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی بوده است. این موضوع در سال‌های اخیر، تحت تأثیر شرایط خاص اجتماعی و آموزشی کشور، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. پیامدهای ناشی از شیوع ویروس کرونا، تعطیلی‌های مکرر مدارس، آلودگی هوا و گردوغبار در برخی مناطق، موجب شد بخش درخوَر توجهی از آموزش و فعالیت‌های دانش‌آموزان به فضای مجازی منتقل شود. هرچند آموزش آنلاین توانست بخشی از خلا آموزشی را جبران کند، اما نمی‌تواند جایگزین کامل فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی شود؛ فعالیت‌هایی که نقش مهمی در رشد شخصیت، افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی و شکوفایی استعداد‌های نسل آینده دارند. با نزدیک‌شدن به پایان سال تحصیلی و آغاز فصل تابستان، دغدغه خانواده‌ها برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت فرزندان‌شان بیش از گذشته نمایان می‌شود. اوقات فراغت تنها فرصتی برای سرگرمی نیست، بلکه بستری ارزشمند برای یادگیری مهارت‌های جدید، تقویت خلاقیت، افزایش اعتماد‌به‌نفس و کشف استعداد‌های نهفته دانش‌آموزان به شمار می‌رود. از همین رو، برنامه‌های فرهنگی، هنری، علمی و ورزشی همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان بوده‌اند. در سال‌های گذشته، دستگاه‌ها و نهادهای مختلف فرهنگی تلاش کرده‌اند با برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های متنوع، زمینه بهره‌مندی دانش‌آموزان از اوقات فراغت مفید را فراهم کنند. با این حال، امروز این حوزه با چالش‌های جدی روبه‌رو است. افزایش هزینه‌های جاری، کمبود امکانات و زیرساخت‌های مناسب و محدودیت منابع مالی، بسیاری از مراکز فرهنگی و هنری را ناگزیر به دریافت شهریه‌های سنگین کرده است. این مسئله باعث شده بخشی از خانواده‌ها، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، توانایی استفاده از این خدمات را نداشته باشند. در کنار مراکز عمومی، آموزشگاه‌ها و مؤسسات خصوصی نیز متناسب با افزایش هزینه‌ها و نرخ تورم، شهریه‌های خود را افزایش داده‌اند. نتیجه این روند، کاهش دسترسی برابر دانش‌آموزان به فرصت‌های آموزشی و فرهنگی است. در شرایطی که برخی خانواده‌ها امکان ثبت‌نام فرزندان خود در دوره‌های متنوع علمی و مهارتی را دارند، بسیاری از دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار از چنین فرصت‌هایی محروم می‌شوند. این شکاف، علاوه بر ایجاد نابرابری آموزشی، زمینه گسترش فاصله‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز فراهم می‌کند. یکی دیگر از مشکلات موجود، توزیع نامتوازن امکانات فرهنگی و آموزشی در مناطق مختلف است. در بسیاری از محله‌ها و شهرهای کم‌برخوردار، نبود فضاهای مناسب، تجهیزات آموزشی و مراکز فرهنگی استاندارد، موجب کاهش مشارکت دانش‌آموزان در برنامه‌های اوقات فراغت شده است. این کمبودها نه‌تنها انگیزه خانواده‌ها را برای حضور در چنین برنامه‌هایی کاهش می‌دهد، بلکه فرصت رشد و شکوفایی استعداد‌های بسیاری از کودکان و نوجوانان را نیز از بین می‌برد؛ ازاین‌رو توجه جدی سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی و آموزشی به توسعه زیرساخت‌های لازم ضروری است. فراهم‌کردن امکانات مناسب در سراسر کشور، حمایت از مراکز فرهنگی، کاهش هزینه‌های ثبت‌نام و ارائه تسهیلات ویژه برای دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند زمینه مشارکت گسترده‌تر خانواده‌ها را فراهم‌کند. همچنین برنامه‌ریزی برای اجرای فعالیت‌های فرهنگی و هنری در طول سال، نه‌فقط در فصل تابستان، می‌تواند به ارتقای مستمر مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموزان کمک کند. برنامه‌های فرهنگی و هنری صرفاً ابزار سرگرمی نیستند؛ بلکه نقش مؤثری در تربیت نسل آینده، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، افزایش مهارت‌های ارتباطی و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای حضور موفق در جامعه دارد. سرمایه‌گذاری در این حوزه در واقع سرمایه‌گذاری برای آینده کشور است. هرچه دسترسی به این فرصت‌ها عادلانه‌تر و گسترده‌تر باشد، زمینه رشد استعدادها و کاهش نابرابری‌های اجتماعی نیز فراهم‌تر خواهد شد. امروز که بسیاری از خانواده‌ها با مشکلات اقتصادی و معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند، نباید نیازهای فرهنگی و آموزشی فرزندان به حاشیه رانده شود. توسعه برنامه‌های اوقات فراغت، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند بستری مناسب برای همه مردم و ایجاد دسترسی برابر برای همه دانش‌آموزان، ضرورتی انکارناپذیر برای تربیت نسلی توانمند، خلاق و مسئولیت‌پذیر است؛ نسلی که می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای جامعه رقم بزند.